

واکاوی نماز و تربیت عبادی فرزندان با تکیه بر متون دینی

زهرا فرخ^۱

سمیه سلطانی تیرانی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال ارائه روش‌های تربیتی است که والدین بتوانند برای تربیت عبادی فرزندان خود در جهت ترغیب به فریضه مقدس نماز استفاده کنند. در این راستا و با روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا به اصل تدریج، اصل اعتدال و اصل تسهیل که با به‌کارگیری آن می‌توان زمینه پذیرش بهتری برای ترغیب فرزندان به نماز را در کودکان فراهم کرد، اشاره شد و سپس در جهت تأثیرگذاری بیشتر این اصول، برخی روش‌های تربیتی مرتبط مورد بحث قرار گرفت. از مؤثرترین این روش‌ها می‌توان به روش الگویی، روش محبت، روش تشویق و روش قصه‌گویی اشاره کرد. والدین با آگاهی از این اصول و روش‌های تربیتی می‌توانند شخصیت سالم مذهبی را در کودکان پرورش دهند و زمینه ایجاد تقویت، تثبیت روحیه اقامه نماز و نهادینه شدن نماز در دوران کودکی فرزندان شان را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: نماز، تربیت، تدریج، اعتدال، تسهیل.

۱. دانش آموخته سطح ۲ جامعه الزهراء (ع) و کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان (نویسنده مسئول). قم. ایران

z.farrokhi1355@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۴ فقه و خانواده جامعه الزهراء (ع). قم. ایران. shbnm121@gmail.com

مقدمه

نماز، عالی‌ترین و مؤثرترین ابزار تربیت و هدایت در انسان است که توجه به آن، موجب سالم‌سازی فکری و روحی انسان می‌شود. واژه فارسی «نماز» معادل واژه عربی «صلاة» است؛ (بندریگی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۷) چنانکه خداوند فرموده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا؛ (نساء: ۱۰۳) همانا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است». در جای دیگری نیز فرموده است: «أَثَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ (عنکبوت: ۴۵) آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است، بخوان و نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنی». خداوند در آیه ۱۵۳ سوره بقره نماز را موجب شکیبایی انسان در مشکلات دانسته و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است». همچنین آن را موجب نابودی بدی‌ها دانسته و فرموده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ؛ (هود: ۱۱۴) در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب، نماز را بر پا دار؛ زیرا خوبی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد».

بنا بر آیات فوق، نماز یک تکلیف الهی و بهترین و مؤثرترین عامل خوش‌بختی، عاقبت‌بخیری انسان و محبوب‌ترین عمل نزد خداوند متعال است. برخی عارفان مسلمان بر این باورند که تمام موجودات نیز متناسب با وضع خود، در حال حمد و تسبیح خداوند هستند و به آیاتی همچون «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ؛ (الرحمن: ۶) و گیاه و درخت سجده می‌کنند» و «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ؛ (اسراء: ۴۴) آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آن‌ها هستند، همه تسبیح او می‌گویند» استناد کرده‌اند.

در واقع فلسفه نماز، تربیت انسان است که نقش مؤثری در سالم‌سازی فکری و روحی انسان دارد. خداوند هدف از خلقت جن و انس را عبادت دانسته و فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و یکی از مصادیق بارز عبودیت، نماز است که این عمل عبادی موجب آرامش انسان می‌شود و اگر با حضور قلب بر پا شود، انسان را

از فحشا و منکر باز می‌دارد و موجب تزکیه روح از آلودگی‌ها می‌شود. وقتی انسان روزی پنج بار به نماز می‌ایستد و ثابت می‌کند که بنده خداوند است، عملش موجب اصلاح اعمال و افکارش می‌شود و زمینه‌ای برای انجام تغییر و تحول در او به وجود می‌آورد. روایات بسیاری نیز درباره اهمیت نماز از پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام نقل شده است. برای مثال امام رضا علیه‌السلام هیچ عملی را برتر و ارزشمندتر از نماز ندانسته است؛ زیرا بهترین راه برای رسیدن به قرب الهی، نماز است. آن حضرت در حدیث ارزشمندی به این نکته چنین اشاره کرده است: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۱۰) نماز هر انسان پارسایی را به خداوند نزدیک می‌کند. آن حضرت در سخن ارزشمند دیگری فرموده است: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّ مَا سِوَاهَا وَإِنْ زُدَّتْ زُدَّ مَا سِوَاهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵) اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می‌گیرد، نماز است. اگر صحیح و مقبول واقع شود، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می‌گردد؛ و گرنه مردود خواهد شد.

از رسول خدا ﷺ نیز روایات بسیاری درباره اهمیت و فضیلت نماز بیان شده است؛ چنانکه آن حضرت فرموده است: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۶) از من نیست کسی که نمازش را سبک بشمارد. قسم به خدا بر حوض کوثر بر من نخواهد رسید. همچنین آن حضرت فرموده است: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ الصَّلَاةُ لَوْ قَتَلَهَا ثُمَّ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ ثُمَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (پابنده، ۱۳۸۳، ص ۷۰) دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، نماز اول وقت و سپس نیکی به پدر و مادر و پس از آن جهاد در راه خداست. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نیز فرموده است:

«لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا تَسْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۱) هیچ عملی نزد خداوند، محبوب‌تر از نماز نیست. پس هیچ کار دنیایی شما را در وقت نماز به خود مشغول ندارد؛ چرا که خداوند گروه‌هایی را سرزنش کرد و فرمود: آنان که از نمازشان غافلند؛ یعنی از اوقات نماز غافلند و به آن اهمیتی نمی‌دهند.

اهمیت نماز تا آنجاست که بنا بر روایات، اولین سؤال در قیامت درباره نماز است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قُبِلَتْ قُبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۸) نخستین چیزی که آدمی بر آن محاسبه می‌شود، نماز است. اگر نماز پذیرفته شد، دیگر اعمال هم قبول می‌شود و اگر نماز رد شد، دیگر اعمال هم رد می‌شود. در روایتی از آن حضرت آمده است: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ الصَّلَاةُ الْمَفْرُوضَاتُ وَعَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَعَنِ الصِّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَعَنْ وَاٰلِئِنَّآ اَهْلَ الْبَيْتِ» (حر عاملی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۲۳) هنگامی که انسان در پیشگاه خداوند متعال قرار می‌گیرد، نخست از نمازهای واجب، زکات واجب، روزه واجب، حج واجب و ولایت ما اهل بیت سؤال می‌شود.

یکی از دغدغه‌های مهم بسیاری از مادران و پدران متعهد، تربیت دینی کودکان‌شان است. والدین باید به این فریضه الهی اهمیت دهند و برای دین‌مداری فرزندان‌شان برنامه صحیح تربیتی داشته باشند؛ زیرا خانواده، اولین مکان برای تربیت مذهبی فرزندان است و والدین، عامل اصلی تربیت هستند و مهم‌ترین نقش را در پرورش مذهبی فرزند خود ایفا می‌کنند. از آنجا که کودکان، فطرتی خداجو دارند و امانتی در دست پدر و مادر هستند؛ والدین باید با زبان منطق و استدلال، این فطرت خداجو را زنده نگه دارند، پرورش دهند و فرزندان را از همان دوران کودکی با نماز و اهمیت آن آشنا کنند. در این مسئله باید اصل اعتدال رعایت شود و اجرای هر برنامه‌ای در راستای تشویق و ترغیب فرزندان به نماز، خالی از افراط و تفریط باشد. اهل بیت علیهم السلام در این زمینه رهنمودهایی در این باره دارند که می‌تواند برای این دسته از والدین بسیار حائز اهمیت باشد. از این رو سرپرست خانواده از مسئولیت بیشتری برخوردار است و باید اهل خود را به نماز دعوت کند و با استفاده از روش‌هایی که با روحیه کودک مناسب است، او را به سمت نماز جذب و به نماز خواندن ترغیب نماید.

والدین برای تربیت دینی فرزندان به نماز، باید از روش‌های مبتنی بر اصول استفاده کنند. اصول در علوم تربیتی، از بایدها سخن می‌گوید (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۴) و مراد از آن، قاعده عامی است که می‌تواند به منزله دستورالعمل کلی باشد و به عنوان راهنمای عمل مورد استفاده قرار

گیرد. منظور از روش های تربیتی نیز رفتارهایی است که مربی برای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می بندد. در حقیقت روش های تربیتی، مظهر و نمود بارز کار تربیت هستند. در فرایند تربیت تعیین، تشخیص، استفاده به موقع و به کارگیری صحیح و مؤثر روش ها، دشوارترین مرحله است. (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹) اصول و روش ها از یک سنخ هستند؛ زیرا هر دو دستورالعمل هستند و راه رسیدن به مقصد و هدف مورد نظر را بیان می کنند، با این تفاوت که اصول به دستورالعمل های کلی اشاره دارد و روش ها، دستورالعمل های جزئی تر هستند که باید در امر تربیت دینی کودکان مورد توجه قرار گیرد. (باقری، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

درباره چگونگی جذب فرزندان به نماز پژوهش های متعددی صورت گرفته است. برای مثال یارمحمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی به تبیین شیوه های ترغیب و جذب کودک به نماز جماعت با محوریت خانواده پرداخته و به شیوه های که قبل و بعد از تولد باید توسط مادر و پدر اجرا شوند، اشاره کرده است. وی همچنین شیوه های انگیزشی که کودک را به یادگیری نماز و خواندن آن ترغیب می کند، بیان کرده است. سمیه غلامی و همکارانش نیز (۱۳۹۸) به مطالعه چگونگی نهادینه کردن نماز در فرزندان نوجوان توسط والدین پرداخته و شیوه های تقویت و تعمیق فرهنگ نماز در فرزندان را بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته اند که شرط لازم برای جذب فرزندان به نماز، داشتن عزمی راسخ برای تربیت دینی فرزندان است. این شرط کلی به عوامل زمینه ساز همچون ایجاد نگرش دینی در زندگی، الگوسازی، یکسانی عقیده و رفتار و ارتقای رشد شخصی و نیز به این نکته اشاره دارد که نماز خواندن فرزندان در مرحله اول، مستلزم برنامه ریزی، مطالعه و پیگیری دقیق مرحله به مرحله والدین است. اما امتیاز مقاله حاضر این است که به صورت مستقل و سلسله وار به واکاوی اصول و روش های کاربردی جذب فرزندان به نماز پرداخته و در راستای چگونگی استفاده از این اصول و روش ها، مطالبی را از روایات بیان کرده است تا در مسیر تربیت دینی فرزند با هدایت هادیان الهی، راه تاریک و پرفراز و نشیب عبودیت روشن شود و هدف عالی انسان در تربیت نسل مؤمن محقق گردد. بنابراین هدف از این پژوهش، آگاهی والدین از اصول و روش های تربیتی در ترغیب فرزندان به نماز با استناد به روایات شریفه است.

اصول تربیتی در امر اقامه نماز

والدین در امر تربیت فرزندان خود باید از مهارت‌های رفتاری برخوردار باشند تا با توجه به آن بتوانند فرزندان خود را تربیت کنند. یکی از این مهارت‌ها، عادت دادن فرزندان به کارهای خوب و عبادی است و در این زمینه نباید تعلل شود؛ زیرا هر بذری که در فطرت خداجوی کودکان کاشته شود، زود رشد می‌کند. از این رو والدین باید از این فرصت استفاده کنند، معنویت را به زندگی کودکان هدیه دهند و همان‌گونه که به جسم کودک اهمیت می‌دهند، روح فرزند خود را نیز تقویت کنند. استعداد معنویت خواهی در کودکان از سن سه سالگی به بعد شکوفا می‌شود. شاهد این مطلب، همراهی آن‌ها با اطرافیان در امور عبادی است. اگر چه همه بچه‌ها به معنویت نیاز دارند، اما تعریف این نیاز و نوع جوابی که می‌گیرند، متناسب با محیط رشد و تربیت‌شان معنا می‌شود و جهت می‌یابد. برای رساندن پیام خوب مثل «نماز بخوان»، باید ابتدا مخاطب شناسی کرد که چه کسی می‌خواهد این پیام را بشنود. روحیه شاد و بازی طلب بچه‌های سه ساله با بچه‌های هفت ساله متفاوت است. وظیفه زمینه‌سازی برای رشد و نیاز به معنویت و معنویت خواهی از ابتدای تولد بر عهده والدین است و این وظیفه تا سن هفت سالگی به شکل اهمیت الگوسازی برای فرزندان ادامه پیدا می‌کند. کودکان دارای روحیه شاد، تقلیدپذیر، کنجکاو با توان یادگیری و حافظه خوب، علاقمند به تشویق و نگران از تنبیه هستند. اگر تا سن هفت سالگی محبت به نماز و عادت به رفتارهای مرتبط با نماز - هر چند گذرا و بدون وسواس - در کودکان شکل گیرد و فرزندان در معرض پابندی به نماز از طرف والدین شان باشند؛ می‌توان به نمازخوان شدن آن‌ها امیدوار بود؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «ما فرزندانمان را از پنج سالگی به نماز امر می‌کنیم، اما شما از هفت سالگی آن‌ها را به نماز بخوانید». (حر عاملی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۲) روایات دیگری نیز از معصومین علیهم السلام در این زمینه وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

در روایتی آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونُ أَبَوَاهُ يَهُودَانِيَةً أَوْ نَصْرَانِيَةً» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۳) هر فرزند بر فطرت الهی به دنیا می‌آید. این پدر و مادر او هستند

که او را یهودی یا نصرانی می‌کنند». این روایت مشهور است و در کتاب الکافی به عنوان یکی از کتب معتبره و جزئی از کتب اربعه، با اندکی تفاوت بیان شده است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳) بنا بر این روایت، والدین نقش مستقیمی در تربیت دینی فرزند خود ایفا می‌کنند و نحوه تربیت آن‌ها، زمینه‌ساز دین‌مداری یا عدم آن در بزرگسالی کودک است. آیه شریفه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا...» (اعراف: ۱۷۱) مؤید این مطلب و دال بر این است که همه اولاد آدم اعم از مؤمن یا کافر گفتند «قالوا بلی» و در واقع همه آن‌ها بر فطرت توحیدی بودند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۳) در روایتی از رسول خدا ﷺ نیز آمده است: «مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۸) کودکان خود را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید».

با توجه به اهمیت بیان شده درباره این موضوع در روایات، فرایند تربیت عبودی کودک دارای اصولی است که والدین با اطلاع و استفاده از آن‌ها می‌توانند با روابط صحیح و مناسب در تربیت دینی فرزند خود قدم بردارند و دغدغه‌ای برای امور عبادی او نداشته باشند. این اصول در کتب تربیتی ذکر شده است که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. اصل تدریج

تدریج، سنت و قانون الهی است. آفرینش انسان و تکوین هستی و شرایع همگی بر اساس اصل تدریج است. دین بر پیامبران به تدریج وحی شده است و آن‌ها نیز برای ابلاغ رسالت خود و تعلیم و تربیت امت خود از این اصل پیروی می‌کردند. (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۱۴۸) در برنامه‌های تربیتی نیز باید این اصل و سیاست گام به گام و مرحله به مرحله رعایت شود. والدین با توجه به اصل تدریج می‌توانند فرزندان خود را به راحتی تربیت کنند؛ زیرا اگر کودک به یکباره و بدون آمادگی با انبوهی از تکالیف روبه‌رو شود و خود را ملزم به رعایت همه آن‌ها بداند، به طور حتم توانایی ندارد و زیر بار این مسئله نمی‌رود. آشنا نکردن کودک به صورت تدریجی با نماز و مکلف کردن او به ادای هفده رکعت نماز در شبانه‌روز به صورت ناگهانی امری ناممکن است که در روایات نیز بر آن تأکید شده است؛ چنانکه امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است:

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار عبارت «لا إله إلا الله» را بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. در این هنگام به او آموزش دهید تا هفت بار بگوید «محمد رسول الله». سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام از او بخواهید که هفت مرتبه عبارت «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» را تکرار کند. بعد تا پنج سالگی او را آزاد بگذارید. در این وقت اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، به سجده کردن رو به قبله را به او یاد دهید و در سن شش سالگی رکوع، سجده و دیگری اجزای نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید دست و صورت خود را بشوید و به تدریج وضو گرفتن را به او یاد دهید. سپس به او بگویید که نماز بخواند. آن‌گاه کودک را به حال خود واگذارید تا سن نه سالگی او تمام شود... در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید. (حر عاملی، ۱۳۸۰، ج ۲۱، ص ۴۷۴)

با توجه به این روایت، امام علیه السلام برنامه عبادی را با توجه به سن و رشد کودک و بنا بر اصل تدریج آغاز کرده است تا کودک اندک اندک با تکالیف عبادی آشنا شود. والدین می‌توانند این روایات را به عنوان الگوی عملی خود قرار دهند و اعمال عبادی از جمله نماز خواندن را طبق یک برنامه‌ریزی صحیح در اختیار کودک خود قرار دهد تا بتواند راه را قدم قدم طی کند.

۲. اصل اعتدال

اهمیت و ارزش اعتدال تا آنجاست که خداوند در قرآن فرموده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا؛ (بقره: ۱۴۳) امت اسلامی را امتی متعادل و میانه‌رو قرار دادیم». رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این باره فرموده است: «این دین، محکم و متین است. پس به آرامی در آن درآیید و عبادت خدا را به بندگان خدا، به زور تحمیل نکنید تا مانند سوار درمانده‌ای باشید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی را به جا گذاشته است». (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۳۷) بنابراین

آنچه در تربیت دینی حائز اهمیت است، تربیتی معتدل و به دور از هر گونه افراط و تفریط است؛ زیرا افراط و تفریط تربیت را دچار اختلال می‌کند. برای اینکه عملکردهای تربیتی به هدف متعالی برسند، باید تابع اعتدال باشند و از مرزهای اعتدال دور نشوند و به افراط و تفریط کشانده نشوند. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۷) والدین در امر آموزش نماز به فرزندان خود باید این اصل مهم را در نظر بگیرند تا گرفتار زیاده‌روی نشوند؛ زیرا افراط و تفریط مانند آفتی است که ریشه دین و ایمان فطری را می‌خشکاند.

اصل تسهیل

منظور از تسهیل این است که برنامه‌های تربیتی باید اموری آسان و میسر باشند و مبتنی بر تکالیف سخت نباشند؛ (همان، ص ۲۳۴) چنانکه خداوند در آیه‌ای فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵) خداوند برای شما حکم را آسان گرفته و تکلیف را سخت نگرفته است». پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در دستوره‌های خود به معاذ بن جبل هنگام رفتن به من برای تبلیغ فرموده است: «يا معاذ بَشِّرْ وَلَا تُنْفِرْ، بَشِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ» (ابن هشام، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۷) ای معاذ! بشارت بده و کاری نکن که مردم از دین فرار کنند و آسان بگیر و سخت نگیر». آن حضرت در جای دیگری فرموده است: «بُعِثْتُ عَلَى الشَّرِيعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۹۴) خدا مرا بر شریعت و دینی مبعوث کرده است که باگذشت و آسان است». بنابراین شایسته است والدین در امر دین آسان بگیرند و در امر اقامه نماز سختگیری نکنند. والدین با رعایت اصل تسهیل می‌توانند به راحتی فرزند خود را به نماز دعوت کنند؛ زیرا سختگیری موجب می‌شود فرزند از خواندن نماز شانه خالی کند. لازم به ذکر است که تسهیل با بی‌اهمیتی به امر نماز متفاوت است و نباید به خاطر اصل تسهیل سکوت کرد و فرزند را به حال خود گذاشت که از دوست داشت، نماز بخواند و اگر دوست نداشت، آزاد باشد.

نحوه ورود به بحث عبادت در سنین کودکی بسیار حساس است؛ یعنی بدون استفاده از اصل تدریج نمی‌توان انتظار داشت فرزند نمازخوان شود. همان‌گونه که زیاده‌روی در این امر موجب ایجاد معضلی بزرگ و دلزدگی کودکان می‌شود، سخت‌گیری قبل از موعد

نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری به شخصیت لطیف کودک وارد می‌کند و تربیت را به چالش می‌کشد. بنابراین تقویت بُعد معنوی کودکان، ظرافت‌های مخصوص به خود را دارد که اگر والدین طبق اصول رفتار کنند، راه روشنی را پیش روی خود و فرزندان‌شان قرار خواهند داد.

سنین اثرپذیری تربیتی

آنچه به بحث تربیت دینی مربوط است، دوران کودکی است؛ زیرا در این مرحله شکل‌گیری شخصیتی کودک بسیار آسان است و هر چه به او آموخته شود، در سرشت او نهادینه می‌شود. کودکی شامل مرز سنی ولادت تا پایان یازده سالگی و شامل چهار مرحله است. این مراحل عبارتند از:

۱. کودکی اول

کودکی از ابتدای ولادت تا سه سالگی است که از نظر علمی دوران پرستاری خوانده می‌شود. پایه تربیت کودک برای نماز از این سنین آغاز می‌شود. در این مرحله باید توجه داشت که حیات کودک در بُعد روانی دارای جنبه انفعالی است، نه جنبه فعال. کودک شدیداً تلقین‌پذیر و حواس او مانند دریاچه‌هایی به سوی جهان خارج است که داخل این جهان را به هم مربوط می‌کنند. چشم او نیز مانند دوربین عکاسی و گوش او مانند دستگاه ضبط صوت است. کودک در این مرحله تقلیدگر است و بسیاری از حالات، رفتار و صداها را تقلید می‌کند. بر همین اساس است که اعمال عبادی والدین، خم و راست شدن پدر و مادر در حضور کودک، اذکار نماز و دیگر جنبه‌های آن توجه فرزندان را جلب می‌کند. (قائمی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴)

۲. کودکی دوم

کودکی دوم، از سن چهار تا هفت سالگی یا همان دوران کنجکاوی شدید است. این مرحله، مرحله گیرندگی شدید، دوران صید اطلاعات، مرحله سلوک متعادل و مرحله عشق و محبت است. فرزند در این دوران آنچه را که می‌بیند، حفظ و آموخته‌ها را عملی می‌کند.

در واقع در این دوران، الگو و مدل در او شدیداً مؤثر است. فرزند در اواخر این دوره به سن تمیز می‌رسد، خوب و بد را تشخیص می‌دهد و دوست دارد مانند پدر یا مادر باشد. سپس اندک اندک به مرحله تشکیل خود می‌رسد، برای خود کسی می‌شود، زود راضی و زود تسلیم می‌شود. کودک در این سنین دوست دارد نماز بخواند. (همان، ص ۱۰۵)

۳. کودکی سوم

کودک در سنین هفت تا نه سالگی، در شرایطی است که از نظر عملی چهار مرحله تلقین‌پذیری، تقلید، همانندسازی و تشکیل خود را پشت سر گذاشته است. او فعلاً شخصیت شناخته شده‌ای برای خود دارد، می‌تواند خود را معرفی کند، تشویق و تهدیدها در او مؤثر است و در این مرحله، شوق مذهبی او رو به تزاید است و اگر شرایط محیطی مساعد باشد، متدین‌تر می‌شود. (همان، ص ۱۰۶)

۴. کودکی چهارم

این مرحله در سنین نه تا یازده سالگی است که حیات جنبه عقلانی پیدا می‌کند و برهان و استدلال دیگران، او را قانع می‌سازد. او قادر به کشف روابط علت و معلولی است و می‌تواند نماز را باور کند. در پایان نه سالگی بر اساس شرایط، نسبت به مذهب رشد معرفتی پیدا می‌کند که جزء شرایط فطری و قادر به جذب آگاهی‌های دینی است. (همان، ص ۱۰۸)

روش‌های تربیتی در امر اقامه نماز

لازمه موفقیت در تربیت و به‌ویژه تربیت دینی، شناخت و آگاهی از روش‌های تربیتی است. درخت پرثمر تربیت عبادی هنگامی به ثمر می‌نشیند که نکات آموزشی و تربیتی در قالب روش‌های درست و مناسب اجرا شود. مراد از روش‌های تربیتی، رفتارهایی است که والدین برای تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می‌برند. در حقیقت روش‌های تربیتی، مظهر و نمود بارز کار تربیت هستند و بخش اعظم موفقیت والدین در گرو شیوه‌هایی است

که برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده‌اند. دشوارترین مرحله فرآیند تربیت، تعیین و تشخیص روش تربیتی و استفاده و به کارگیری صحیح و مؤثر آن است. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹) تربیت بدون آموزش و آگاهی بخشی ممکن نیست و اگر هم ممکن باشد، نمی‌توان آن را تربیت نامید. مهم‌ترین وظیفه مربی، آموزش و آگاهی بخشی به موقع است و آنچه در این روش اهمیت دارد، در اختیار گذاشتن آگاهی‌های لازم به روش مطلوب و به موقع از سوی مربی است. منظور از آموزش در اینجا، آموزشی است که نوعی یادگیری در یادگیرنده ایجاد کند؛ در غیر این صورت چنین آموزشی هیچ ارزشی ندارد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۲ - ۲۷۷) برای تأثیر آموزش باید ابتدا انگیزه و رغبت فرزند را تقویت کرد تا بهتر و آسان‌تر به آموزش تن دهد تا جایی که با انتقال آموخته‌هایش به دیگران، بتواند دانسته‌های خود را پایدار کند و میل و رغبتش در یادگیری زیاد شود. (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۸۲ - ۲۷۷) در سیره اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام زیادی به آموزش نماز به فرزندان شده و یکی از تکالیف مهم والدین، آموزش نماز بیان شده است که باید تا حدودی کودک را با نماز، فواید و آثار آن آشنا کنند و قبل از اینکه کودک به سن بلوغ برسد، نماز را به او آموزش دهند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۰۰) با توجه به ابعاد گوناگون نماز، آموزش آن نیازمند اصول و روش‌های خاصی است. در سیره معصومین علیهم‌السلام افزون بر آموزش نظری، روش اصلی و اساسی که برای آموزش نماز به کار گرفته می‌شود، روش عملی نیز جایگاه و نقش ویژه‌ای دارد. آنان به جای توضیح و بیان شفاهی نحوه نماز خواندن، آن را در برابر مخاطب انجام می‌دادند؛ چنانکه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مقام آموزش نماز فرموده است: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي؛ (حلی، ۱۹۸۲، ص ۴۲۳) همان‌گونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم، نماز بخوانید».

والدین در امر آموزش نماز باید اصل تدریج، اعتدال و تسهیل را رعایت کنند و نماز را مرحله مرحله به فرزند خود آموزش دهند. فرزند یک‌شنبه و یک‌ساله به خواندن نماز عادت نمی‌کند؛ از این رو نباید در این زمینه سختگیری کرد و باید حوصله به خرج داد و در زمان مناسب نماز را به فرزند آموخت. آموزش بدون حوصله، نتیجه عکس دارد و موجب دوری فرزند از نماز می‌شود. در آموزش فرزند باید سن و سال او را در نظر گرفت؛ زیرا آموزش در هر

سنی متفاوت است.^۱ امام رضا علیه السلام در این زمینه فرموده است: «يُوَحِّدُ الْغُلَامَ بِالصَّلَاةِ وَهُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۶۰) پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند». بر اساس سیره معصومین علیهم السلام سن آموزش نماز برای فرزندان، هفت سالگی است که در این مسئله نیز باید توانایی و ظرفیت فرزند را در نظر گرفت و در نظر داشت که بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از کودکان خواسته نمی‌شود؛ چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده است فرزند آن قدر که می‌تواند و قدرت دارد، نماز بخواند:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام أَوْ سُئِلَ وَأَنَا أَسْمَعُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَنُّ وَلَدَهُ وَهُوَ لَا يُصَلِّي الْيَوْمَ وَالْيَوْمَيْنِ فَقَالَ: «وَكَمْ أَتَى عَلَى الْغُلَامِ؟» فَقَالَ: ثَمَانِي سِنِينَ فَقَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ يَشْرُكُ الصَّلَاةَ؟» قَالَ: قُلْتُ يُصِيبُهُ الْوَجَعُ. قَالَ: «يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِرُ»؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۰) از امام رضا علیه السلام سؤال کردم یا شاید از او سؤال می‌شد و من گوش می‌دادم، درباره کسی که فرزندش را به خواندن نماز مجبور می‌کند، در حالی که فرزند یک روز یا دو روز نماز نمی‌خواند. حضرت فرمود: «این بچه چند ساله است؟». گفتم: هشت ساله. حضرت فرمود: «سبحان الله! نماز را ترک می‌کند؟». گفتم: بله، نماز خواندن برایش سخت می‌آید. حضرت فرمود: «آن قدر که می‌تواند و قدرت دارد، نماز بخواند».

بنا بر این حدیث، نماز خواندن کودک و ترک نکردن آن در این سن از دیدگاه حضرت اهمیت بسیاری دارد. در امر آموزش نماز باید خلاقانه و با احتیاط رفتار کرد تا این آموزش برای کودک جذاب و دلنشین باشد و به سادگی بتواند نماز خواندن را یاد بگیرد. برای نهادینه کردن امر آموزش نیز باید به صورت عملی، به گونه‌ای رفتار کرد که کودک با تمام حواس چندگانه مقدمات و مراحل آموزش را یاد بگیرد. برای محقق شدن این امر می‌توان

۱. امام صادق علیه السلام: «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْلُغَ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرِينَ يَوْمًا ثُمَّ يَقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْتَئَهُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْتَئَهُ سِنِينَ ثُمَّ يَقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يَقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْتَئَهُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ قِيلَ لَهُ صَلِّ وَ عَلِّمِ الرَّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى يَبْتَئَهُ سَبْعَ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْتَسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلْتُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يَتْرُكُ حَتَّى يَبْتَئَهُ ثَمَنَ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عُلْمُ الْوُضُوءِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهِ وَ أُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهِمَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ عَفَّرَ اللَّهُ لَوْلَادِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۴)

از تصاویر، فیلم، اسباب بازی و اشعار مربوط به نماز کمک گرفت. پدر و مادر نیز باید به آموزش نماز فرزندان خود نظارت کنند تا وقتی فرزند سرحال و شاداب است، نماز بخواند نه در کسالت و خستگی؛ چنانکه امام رضا علیه السلام در سخن دیگری به این موضوع اشاره کرده و فرموده است:

«اگر برای نماز ایستادی، تلاش کن با حالت کسالت و خواب‌آلودگی و سستی و تنبلی نباشد؛ بلکه با آرامش و وقار نماز را به جای آور و بر تو باد که در نماز خاشع و خاضع باشی و برای خدا تواضع کنی و خشوع و خوف را بر خود هموار سازی. در آن حال که بین بیم و امید ایستاده‌ای و پیوسته با طمأنینه و نگران باشی، همانند بنده گریخته و گنهکار که در محضر مولایش ایستاده است، در پیشگاه خدای عالمیان بایست. پاهای خود را کنار هم بگذار و قامت را راست نگهدار و به راست و چپ توجه نکن و چنان باش که گویی خدا را می‌بینی که اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند». (امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶، ص ۱۰۱)

در این بخش با استناد به روایات، چند روش کاربردی که والدین بتوانند با بهره‌گیری از آن‌ها فرزندان خود را به نماز ترغیب کنند، بیان می‌شود.

۱. الگوگیری

یکی از روش‌های مطلوب فطرت آدمی و تربیت، روش الگویی است که از مؤثرترین روش‌ها به شمار می‌رود. انسان در این روش، نمونه عینی را مطلوب خویش می‌گیرد، به شبیه‌سازی دست می‌زند و تلاش می‌کند در همه امور خود را همانند الگوی مطلوب خویش سازد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۱) تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی، با روش الگویی شکل می‌گیرد و ساختمان وجودی‌اش به‌گونه‌ای است که تأثیر رفتار بر او بیشتر از تأثیر گفتار است. اگر گفتاری مطابق عمل و کردار باشد، مطلوب فطرت آدمی است و اگر جز این باشد، نه تنها مورد پذیرش فطرت نیست؛ بلکه موجب انزجار آن است. بنابراین تربیت عملی با ارائه الگوهای عینی، راهی مطلوب برای آدمی در تربیت است. (همان، ص ۳۴۳)

انسان از دوران کودکی در همه جنبه‌ها ابتدا از والدین خود الگو می‌گیرد؛ از همین روست که والدین در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان خود نقش بسزایی دارند. نحوه نگرشی که والدین در مسائل مذهبی و در انجام فرامین دینی مخصوصاً نماز دارند، به طور مستقیم و غیر مستقیم در تربیت دینی فرزندان تأثیر می‌گذارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده مذهبی آن‌ها خواهد داشت. والدین، اولین الگوی عملی فرزندان هستند و بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرزندان دارند؛ زیرا فرزندان بیشترین زمان را با آنان می‌گذرانند و آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند. بنابراین والدین باید عامل به نماز باشند و احکام و معارف نماز را به خوبی ادا کنند تا فرزندان در الگوبرداری از آن‌ها دچار مشکل نشوند. پدر و مادر افزون بر آموزش عملی نماز، باید به سؤالات مذهبی فرزندان به صورت منطقی و با زبانی ساده که متوجه شوند، پاسخ دهند. با توسعه فرهنگ نماز در خانواده و اقامه نماز توسط اعضای خانواده، بی‌شک فرزندان الگوی خود را می‌یابند و با نماز انس و الفتی دیرینه پیدا می‌کنند که نتیجه این امر پرهیز از فحشا و منکر و دوری از انحرافات و آلودگی هاست. روش اهل بیت علیهم‌السلام در نماز نیز روش عملی بود و آنان با عمل خود به دیگران شیوه نماز خواندن و اهمیت آن را می‌آموختند. در سیره امام رضا علیه‌السلام آمده است که آن حضرت در میان مردم و با مردم می‌زیست، با رفتار و عمل خویش به مردم درس زندگی و پاکی و فضیلت می‌آموخت و الگویی برای دیگران و نمونه بارز اسوه حسنه بود. برای مثال می‌توان به نماز اول وقت آن حضرت اشاره کرد که به هیچ قیمتی فضیلت نماز اول وقت را از دست نمی‌داد، حتی در مهم‌ترین جلسات سیاسی و علمی نیز به نماز اول وقت اهمیت می‌داد. (شریف قرشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۰)

روزی به دستور مأمون، علمای برجسته از فرقه‌های گوناگون در مجالس مناظره حاضر شدند و امام رضا علیه‌السلام با آن‌ها مناظره و بحث می‌کرد. «عمران صابئی» که از دانشمندان بزرگ بود، در یکی از مجالس حاضر شد و درباره توحید با امام رضا علیه‌السلام وارد گفتگو شد. امام علیه‌السلام در آن جلسه با حوصله، متانت و استدلال‌های قطعی و روشن به سؤالات او پاسخ می‌داد. هنگامی

که بحث و مناظره به اوج خود رسید و چیزی به تحول درونی آن دانشمند نمانده بود، حضرت رضا علیه السلام به مأمون فرمود: «الصَّلَاةُ قَدْ حَصَرَتْ؛ وقت نماز فرا رسید». عمران صابئی که به حقایقی دست یافته و از دریای دانش سرشار امام رضا علیه السلام بهره‌هایی برده بود، با التماس گفت: «یا سیدی! لَا تَقْطَعْ عَلَيَّ مَسْأَلَتِي فَقَدْ رَقَّ قَلْبِي؛ ای آقای من! دنباله بحث و بررسی و پاسخ به سؤال مرا قطع نکن (بنشین بعد از پایان بحث، برای نماز برو)»؛ اما امام رضا علیه السلام تحت تأثیر سخنان عاطفی و احساس برانگیز او قرار نگرفت و فرمود: «نُصَلِّي وَ نَعُوذُ؛ نماز را می‌خوانیم و باز می‌گردیم» و سپس با همراهانش به اقامه نماز مشغول شد. حضرت پس از اقامه نماز دوباره به گفتگو ادامه داد و پاسخ‌های روشنگرانه خویش را ارائه کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۹، ص ۴۹)

بنابراین الگوگیری، گزینه‌ای است که شخص به کمک آن می‌تواند به آسانی انتخابی بهتر داشته باشد. اگر والدین الگوی مناسب را با روش بیان کردن احادیث و روایات در دسترس فرزندان خود قرار دهند، آن‌ها نیز انتخابی شایسته و الگوی مناسبی خواهند داشت. پیشوایان معصوم علیهم السلام بهترین الگو هم برای والدین و هم برای فرزندان هستند و والدین می‌توانند با تأسی به آن بزرگواران، شخصیت مذهبی و معنوی فرزندان خود را پرورش دهند.

۲. محبت

با توجه به سرشت آدمی و تأثیرپذیری انسان از نرمی و دوستی و انزجارش از تندی و خشونت‌گرایی، نیکوترین راه و رسم در تربیت آدمی، تربیت بر پایه محبت است؛ چنانکه ستون‌های دین الهی نیز بر دوستی حق استوار شده است و تربیت حقیقی از این راه فطری جلوه می‌کند. خداوند در سرشت هر موجودی عشق ذاتی سیر به سوی کمال خود را ایجاد کرده است و روش محبت در تربیت بر چنین سنتی استوار است؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره جایگاه محبت در مکتب و سیره تربیتی خود فرموده است: «المَعْرِفَةُ رَأْسُ مَالِي وَالْعَقْلُ أَصْلُ دِينِي وَالْحُبُّ أَسَاسِي، وَالشُّوقُ مَرْكَبِي، وَذَكَرُ اللَّهِ أُنَيْسِي؛ (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۷۳)

معرفت و شناخت نسبت به خدا، سرمایه من است و خرد، ریشه دین من و عشق و محبت، بنیاد من، شوق، مرکب من و یاد خداوند، همدم من است.» با توجه به نقش اساسی محبت در پیشبرد اهداف، خداوند به ضرورت این صفت در وجود رهبران الهی توجه خاصی داشته است و پیامبر ﷺ نیز از شیوه محبت برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کرد. بنابراین محبت، ابزاری کارساز و مؤثر در امر تربیت است و از این طرق می‌توان بر افراد تأثیر مثبت گذاشت. امام رضا علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «اظهار دوستی و محبت با مردم بعد از ایمان آوردن، نیمی از عقل است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۹) محبت، از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌هاست. انسان به هر چه محبت پیدا کند، به او متمایل می‌شود و رنگ و بوی او را می‌گیرد؛ زیرا انسان اسیر محبت و محکوم آن است تا جایی که در روایت آمده است: «الإنسانُ عَبْدُ الإحسانِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۹) والدین با استفاده از این روش می‌توانند دل و روح فرزندان خود را تسخیر کنند و به اختیار خود درآورند. بنابراین همچنان که محبت، فلسفه و اساس تربیت است؛ اظهار آن نیز روش بسیار مؤثر و کارآمد در تحقق آن به شمار می‌رود. (موسوی کاشمری، ۱۳۷۹، ص ۸۴)

امام رضا علیه السلام نسبت به بندگان خدا کانون مهر و عاطفه بود؛ چنانکه در زیارتنامه آن حضرت آمده است: «السلامُ علی الامام الرئوف؛ سلام بر امام و پیشوای رئوف و مهربان». این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است؛ زیرا ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به اهل خانه و خدمتگزارانش داشتند. نگاه امام رضا علیه السلام به کودکان همیشه محبت‌آمیز، حکیمانه و سرشار از خلوص و عاطفه بود. از این رو سخنانش بر صفحه دل آنان می‌نشست. آن حضرت در تمام فعالیت‌های تربیتی خود، شخصیت متربی را گرمی می‌داشت و از هر گونه رفتار و گفتار توهین‌آمیزی که موجب بی‌احترامی و کوچک شمردن شخصیت او شود، اجتناب می‌کرد تا بدین وسیله بتواند توجه متربی را به خود جلب کند و رفتار او را اصلاح نماید. رفتار امام علیه السلام با فرزندش امام جواد علیه السلام آن قدر محبت‌آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی‌زد؛ بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرار می‌داد. أمیة بن علی نقل می‌کند: